

الگو گیری زن مسلمان از حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کنشگری فرهنگی و رسانه ای

حوریه خدایی^۱

چکیده

جهت یافتن شخصیت و هویت انسانی به عوامل گوناگونی از جمله میزان اثرپذیری و تاثیرگذاری در فرهنگ و ایجاد طرح و شیوه های نو در اثرگذاری وابسته است. این مقاله با موضوع «الگو گیری زن مسلمان از حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کنشگری فرهنگی و رسانه ای» به بررسی آموزه های حضرت در حرکت احیاگرانه خود در حیات رسول مکرّم اسلام و حرکت بازدارنده پس از پیامبر پرداخته است. این نوشتار ابتدا به تعریف فرهنگ و جهانی شدن آن پرداخته و در راستای جریان جهانی شدن فرهنگ، تمایزپذیری در حین پیوستگی فرهنگ ها، و همچنین تعامل و تبادل فرهنگ ها و آثار آن در اتخاذ شیوه و سبک زندگی را مورد مذاقه قرار داده است. این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام شده و ضمن تبیین نقش زنان در تحولات فرهنگی، اهمیت باز شناسی الگو در مسیر تحول و توسعه و پیشرفت را مورد بررسی قرار داده است. قرآن شخصیت و سیمای زنان مقدسی را بعنوان الگوهای مطلوب و شاخص فرهنگی برای انسان و بشریت ترسیم نموده است. نتایج نشان داد که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با توجه به صفات و ویژگیهای برجسته و نقش تاریخ ساز در صدر اسلام بعنوان کنشگر فرهنگی فراجنسیتی، با دو آموزه خودسازی و دگرسازی در تحقق ارزشهای الهی، الگوی جامع و بی بدیل برای بشریت در طول تاریخ است. شخصیت و اندیشه های ایشان که از شاخص های ممتاز تاثیر گذار است باید به بیانات مختلف در فرهنگ های مختلف معرفی و شناسانده شود.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا (سلام الله علیها)، سبک زندگی، فرهنگ، الگوی فرهنگی، جهانی شدن

۱- مقدمه

فرهنگ به عنوان عالی ترین نوع تبلور کنش های جوامع انسانی شناخته می شود که رابطه تنگاتنگی با هویت فردی و ملی افراد دارد که انسان ها به آسانی حاضر به از دست دادن هویت خویش نیستند. وقتی درباره فرهنگ و ضرورت حفظ آداب و سنن سخن می گوئیم غالباً ذهنها به مصادیق و موضوعات کوچک که دامنه تاثیر محدود دارد معطوف می شود. این امر نباید موجب شود از اهمیت فرهنگ در ابعاد گسترده کاسته شود. اسلام خردورزی، اخلاق و رعایت حقوق و عدل و انصاف و در یک کلمه تکلیف مداری را مایه های اصلی فرهنگ صحیح می داند. لازمه تحقق این اهداف اعتقاد و ایمان به هدف و گزینش شیوه های برتر تحقق آن است. در این راستا بازشناسی ابعاد مختلف شخصیت های تاثیر گذار در حرکتهای ماندگار

۱ استاد حوزه و دانشگاه: khodaeihuri@yahoo.com

تاریخی می تواند طرحی نو در نگرشی جدید مطرح سازد. اهمیت تاثیرگذاری الگوهای مطرح در قرآن کریم و منابع روائی در کمال و تعالی انسان ایجاب می کند که سبک زندگی و شیوه های خاص فردی و اجتماعی آنها از زوایا و اندیشه های مختلف مورد بررسی، تعریف و تبیین قرار گیرد.

زندگی معصومین(علیهم السلام) راهنمای بسیار روشنی است برای کسانی که در مسیر عدالت ورزی و کمال طلبی قرار داشته باشند و بخواهند به بهترین شیوه عالی و برتر زندگی دست یابند. از میان معصومین(علیهم السلام) سبک زندگی و تاثیرات فرهنگی وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در طول تاریخ بشریت خصوصا بر افکار متفکران و آزاد اندیشان، آثار ژرف و ماندگار داشته است. با توجه به نقش اساسی ایشان در صدر اسلام بازشناسی شخصیت الهی و شیوه های تاثیرگذار فرهنگی و سیاسی-اجتماعی ایشان راهگشا خواهد بود.

در خصوص زندگی سراسر برکت و نورانی حضرت زهرا(سلام الله علیها) و آثار و نقش آن در ابعاد مختلف جامعه دینی مقالات و نگارندهای متعددی به رشته تحریر درآمده است و هر یک از زوایای مختلف این وجود مقدس را مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند. سیدجعفر شهیدی، به تحلیل تاریخ زندگانی حضرت پرداخته اند، سیدجمال الدین دین پرور به موضوع تاثیر نقش رهبری آن حضرت پرداخته، و محمدجواد رودگر در بررسی اجمالی، حضرت را با قابلیت وجودی ليله القدر معرفی نموده است. با تمام اینها، منابع معرفی زوایای مختلف وجودی حضرت خصوصا در سطح بین الملل و کشورهای مستعد معارف اهل بیت با توجه به وسعت تاثیرگذاری شیوه های مبارزات ایشان برای حفظ دین خاتم و آثار بسیار عظیمی که می تواند در اقامه حق و عدالت در عصر حاضر نسبت به جامعه اسلامی و جامعه جهانی در تحقق تفکر آزاد اندیشی داشته باشد، بسیار کم و ناچیز است. آنچه در این مختصر بدان پرداخته شده شخصیت الهی-انسانی حضرت و تاثیرات شیوه های مبارزاتی ایشان به عنوان رهبر دینی تاثیرگذار در تحولات سیاسی-فرهنگی پس از رحلت رسول اکرم است.

۲- مفهوم فرهنگ

واژه «فرهنگ» مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، عقل، هنر، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم آمده است(معین، ۱۳۷۵). در فرهنگ معین، درباره ی واژه ی «فرهنگ» چنین آمده است: «مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم، کتابی شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آن ها، علم و دانش و ادب، کشیدن، تعلیم و تربیت را، فرهنگ می نامند»(معین، ۱۳۷۵). لغت نامه دهخدا فرهنگ را مرکب از پیشوند «فر» و «هنگ» از ریشه «تنگ» لغت اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن ذکر می کند(دهخدا، ۱۳۷۷). در پهلوی ساسانی واژه فرهنگ به صورت «فره هنگ» آمده است که از دو جزء «فره» به معنای پیش و فرا، و «هنگ» به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است. در نتیجه «فرهنگ» به معنای پیش کشیدن و فرا کشیدن است. به همین دلیل در زبان فارسی فرهنگ را سبب پیشرفت می دانند(بهمردی، ۱۳۹۰). در لغت عربی فرهنگ به معنای «الثقافة» یعنی دانشمند و روشنفکر، با فرهنگ بودن، علوم و معارف(بندریگی، ۱۳۹۰)، حاذق بودن، زیرک بودن، زود یاد گرفتن(ابن منظور، ۱۴۱۴ق)، دست یافتن و چیره شدن، و پیدا شدن(قرشی بنابی، ۱۳۸۶) استعمال شده است.

فرهنگ در جایگاه علم به معنای آن دسته از فعالیت های حیات مادی و معنوی انسان ها است که مستند به طرز تعقل سلیم در حیات تکاملی بوده و نمود رشد معنوی و پیشرفت یک جامعه است (جعفری، ۱۳۹۷، ۷۷). از این نظر فرهنگ خصوصی است که یک جامعه در زمان گام برداشتن در مسیر اعتلا کسب می کند.

بعضی از کتابهای فرهنگ، ریشه فرهنگ را از کشت و زرع، زمین و پرورش دانسته اند؛ یعنی عمل آوری و رشد در مفهوم آن نهفته است؛ لذا فرهنگ به معنی رشد و تربیت افراد و جامعه انسانی به کار می رود (هارپر داگلاس، دیکشنری آنلاین لغت نامه ۲۰۰۱)، این مفهوم به مرور متحول شده و در مورد هر آنچه به صورت اجتماعی کسب می شود به کار می رود و عبارت است از مجموعه دانش، باور، هنر، دین، اخلاق، حقوق و آداب و رسوم و هر استعدادی که انسان به مثابه عضوی از جامعه معین کسب می کند.

فرهنگ به وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می شود؛ بخلاف ژنتیک که به وسیله وراثت منتقل می گردد. فرهنگ خواهان مانایی است لذا تغییر آن بسیار دشوار است و معمولاً با مخالفت و مقاومت زیاد همراه است لذا تمامی فرهنگ ها، با حرکتی کند و تدریجی، تغییر می کنند. در برابر فرهنگ، نافرنگ به معنای رفتارهایی است که جامعه با آن تعامل دارد ولی فرهنگ نیست. مانند اقلیم، آب و هوا، ژن، حوادث، وجود یا عدم وجود منابع طبیعی، سنت های الهی، بیماری ها و

یک فرهنگ غنی، در بر گیرنده سه بخش اساسی است:

الف) شناخت ها، باورها و مجموعه مشترکی از اندیشه ها و دستاوردها؛

ب) ارزش ها و گرایش ها که سازگاری با نیازهای غریزی، فطری، اقتصادی و محیط جغرافیایی دارد؛

ج) رفتارها و کردارها برای فرونشاندن نیازهای اجتماعی و سیاسی (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ۷۱).

در ادبیات اروپایی فرهنگ از دیدگاه های گوناگون، از جمله دیدگاه اجتماعی، دینی و اقتصادی بررسی شده و دریافته اند که فرهنگ بر تمام اجزاء زندگی آدمی تأثیرگذار است اگرچه در تعاریف عینیت گرایی غلبه داشته و فرهنگ به مثابه امر بیرونی نسبت به کنشگر دیده شده و نقش کنشگر تا حدود زیادی نادیده گرفته شده است.

ادوارد برانت تیلور فرهنگ را «مجموعه پیچیده ای شامل دانشها، معتقدات، باورها، هنرها، صنایع فنون، اخلاق، حقوق و قوانین و آداب و رسوم بالاخره تمام قابلیتها و عادات و رفتاری است که انسان به عنوان عضو جامعه خود فرا می گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را در بر دارد» تعریف می کند. این تعریف به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است (روح الامینی، ۱۳۹۴، ۵۱؛ چنگیز، ۱۳۸۲، ۴۸).

کانت^۱ فرهنگ را چیزی می داند که انسان را از حیوانات متمایز می گرداند و آن را شامل ورزش قوای ذهنی می داند (ماحوزی، ۱۳۸۹، ۱۷). کفلاس^۲ معتقد است فرهنگ نظام معنایی است که کنش را هدایت می کند و بافتی را برای تجربه انسانی فراهم می آورد. گیرتز^۳ با نگاهی مردم شناسانه، فرهنگ را شبکه ای از نمادها و معانی و تحلیل آنها می داند (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶، ۴۱). دورکیم^۴ فرهنگ را برخاسته از آگاهی جمعی می داند و آن را به مجموعه ای از باورها و احساسات مشترک بین اعضاء جامعه تعریف می کند (برتران بدیع^۵، ۱۳۷۷، ۳۸). آلفرد کروبر^۶ و کلاید کلاکھون^۷ در کتاب خود به نام «فرهنگ: مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف»^۸ که در سال ۱۹۵۲ به رشته تحریر درآوردند، با گردآوری ۱۶۴ تعریف از فرهنگ اظهار کردند که فرهنگ در اغلب موارد به سه برداشت عمده می انجامد:

۱- برترین فضیلت در هنرهای زیبا و امور انسانی که همچنین به فرهنگ عالی شهرت دارد.

۲- الگوی یکپارچه از دانش، عقاید و رفتار بشری که به گنجایش فکری و یادگیری اجتماعی نمادین بستگی دارد.

۳- مجموعه ای از گرایشها، ارزشها، اهداف و اعمال مشترک که یک نهاد، سازمان و گروه را مشخص و تعریف می کند (غمامی، ۱۳۹۶، ۱۱۴).

با در نظر گرفتن مجموعه ی تعریف ها روشن می شود که دایره ی فرهنگ بسیار گسترده است و افزون بر فرهنگ مادی و معنوی، شامل همه ی چیزهایی است که در جامعه پذیرفته می شود (اعم از فکری، عقیدتی، آداب و رسوم و...) و نیز هر چیزی که در جامعه طرد می شود (مانند: ضد ارزش ها، ضد هنجارها^۹ و...). فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیر واقعی است که مردم با آن زندگی می کنند.

۳- جهانی شدن فرهنگ

Kant-۱

Kefalas-۲

Geertz-۳

Durkheim-۴

Bartan Badi-۵

Kroeber Alfred -۶

Clyde Kluckhohn-۷

Culture: A Critical Review of Concepts and Definition-۸

۹- هنجار: عبارت است از نمونه یا معیار ثابت چیزهایی که در درون یک فرهنگ معین باید وجود داشته باشد، که معمولا در غالب ارزش ها (علاق و احساسات ریشه دار)، آداب و رسوم و شیوه های زندگی، عادات و رفتار و کردار، عرف (رسومی که با ملزومات شایست و ناشایست، همراه است) و قوانین ظهور می کند (توسلی، ۱۳۷۵، ۱۳۹).

در جهان امروز و با رشد و گسترش ارتباطات، فرهنگ های ملل گوناگون با یکدیگر آمیخته می شوند. در این بین جهانی شدن فرهنگ تأثیرات مهم بر افزایش تجانس و یگانگی ملل، انتقال فرهنگ عامه جهانی و آشکالی از کنش های متقابل انسان دارد.

درباره جهانی شدن فرهنگ، برخی وجود همگرایی در زمینه رفتار و ارزش های جوامع را امری حتمی و ناگزیر دانسته اما تنوع فرهنگی در سراسر جهان را نیز امری پایدار می دانند. به نظر آنها ملت ها علیرغم فشار روزافزون رسانه ها برای یگانه سازی فرهنگی و تحمیل "فرهنگ واحد جهانی" توانایی آن را دارند که با درک و پذیرش ارزشهای فرهنگی و هویت های گوناگون، هویت و حقوق فرهنگی خویش را حفظ نمایند (گل محمدی، ۱۳۸۶، ۶۳). در این بین بسیاری از کارگزاران همسو با این نظریه، مدل پیشرفت را صرفاً مدل های غربی می دانند و بر این باورند که توسعه و پیشرفت در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را باید از مدل های غربی الگو برداری کرد.

برخی دیگر بر این باورند که فرهنگ های بومی و محلی با وجود آمدن یک فرهنگ عام جهانی متفاوت با فرهنگ های سابق زوال پیدا کرده و زوال فرهنگ های بومی به زوال هویت و سنت ها می انجامد و در نتیجه بافت اجتماعی جوامع متلاشی می گردد. اینها بر این باورند که فرهنگهای قدرتمند در تهاجمی آرام و هوشمندانه با استمداد از ابزار تکنولوژی و ارتباطات در صدد تسخیر هدفمند فرهنگهای دیگر هستند (چوپانی، ۱۳۸۸).

این هجوم باورهای تازه به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای اصیل ملی ملت ها، فرهنگ رایج ملل را تغییر داده و با تحریف ارزش ها و رفتار ملت ها، فرهنگ خود را تحمیل می نمایند. این یک روش نوین برای بدست گرفتن ضربان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها به نفع فرهنگ مهاجم است؛ لکن باید توجه نمود با اینکه فرهنگها در نتیجه تعامل افراد ساخته می شود ولی این به معنای به آسانی ترکیب شدن آن نیست.

همچنین نکته قابل توجه دیگر آن است که بین تعامل و تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی تفاوت آشکار وجود دارد. تبادل فرهنگی ارتباط منطقی و درست فرهنگ هاست که می تواند در پیشرفت ارزش های انسانی و بهتر کردن زندگی بشر سودمند باشد. و ما نباید برای پرهیز از آثار تهاجم، تعامل و تبادل فرهنگی را انکار کنیم. تبادل فرهنگی باعث رشد و بالندگی و پیشرفت فرهنگ ملل می شود. هیچ ملتی بی نیاز از این نیست که در همه ی زمینه ها، از جمله مسایل فرهنگی، از ملت های دیگر بیاموزد. ملت ها در آداب زندگی، خلیقات، علم، لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف از یکدیگر تأثیر می گیرند و این مهم ترین تبادل ملت ها است، که زمینه ساز توسعه مبادلات بین المللی است که در عین حفظ تفاوتها امکان عرض اندام فرهنگهای متفاوت را فراهم ساخته و زمینه ی مناسبی برای بازسازی و احیای فرهنگها ایجاد می کند. حفظ فرهنگ از یک سو و ارتقاء سطح فرهنگی از سوی دیگر سبب می شود تمدنها در مقابل فرهنگ های دیگر گشوده عمل نمایند. لکن پذیرش الگوهای فرهنگهای دیگر باید در چارچوب نیازهای حقیقی مردم در قالب فرهنگ داخلی با استفاده از خلاقیت و ساختارهای اجتماعی باشد تا فرهنگ اصیل جامعه حفظ گردد.

۴- تبادل فرهنگ و سبک زندگی

یکی از ابعاد پیشرفت و تاثیرپذیر در تبادل فرهنگی در زمینه سبک و فرهنگ زندگی کردن رفتار اجتماعی و شیوه زیستن است. سبک زندگی از موضوعات نوظهور در مطالعات اجتماعی است که شیوه زندگی خاص و متن زندگی فرد، گروه یا جامعه را شکل می دهد. هر هدفی که ما برای زندگی معین و ترسیم کنیم، به طور طبیعی متناسب با خود یک سبک زندگی خواهد داشت.

رواج شیوه های جدید رفتارهای اجتماعی برای پر کردن فضاهای زندگی، فردی شدن، توجه به رسانه، افزایش شکاف اجتماعی، اهمیت یافتن سیاست زندگی براساس ترجیحات متفاوت، از هم پاشیدگی شبکه های سنتی و در نهایت بحران هویت فردی و اجتماعی زمینه های هستند که شرایط جدیدی را پیش روی افراد قرار می دهد. این بدان معناست که این تحولات که در قالب جهانی شدن فرهنگی رخ می دهد علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و سبک زندگی افراد، نگرش به خود و جامعه و میزان هویت اجتماعی آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است (رضایی، ۱۳۸۹، ۴۵). در چنین فضای اجتماعی، علاوه بر سبک های متفاوت زندگی منابع هویتی و هویت گزینی افراد نیز دستخوش تغییر خواهد شد (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۱).

از آنجا که این تحولات از طریق دنیای مجازی، ارتباطات و اطلاعات و نه از بستر مناسب فرهنگی، وارد نقاط مختلف جهان می شود بحران فرهنگی ایجاد می نماید که از آن تعبیر به تهاجم فرهنگی می شود. کنترل فضای مجازی، خبرگزاریهای بین المللی و سرعت در گردآوری و پخش خبر، از شرایط کامیابی رسانه های به شمار می رود (موحدنیا، ۱۳۸۲، ۷۶). از این رو مهاجمان فرهنگی سازمان های بزرگ خبررسانی را برای تزیق فرهنگ خود بنیان گذاری کرده و با در اختیار گرفتن مالکیت رسانه های بین المللی و تسلط بر محتوای رسانه ها، همه مجاری ارتباطی را در مسیر تهاجم به فرهنگ ها و سنت ها بکار می گیرد. سامانه ی مهاجم با تبلیغات، فرهنگ های ناصحیحی نظیر مصرف گرایی، تجمل گرایی، ظاهر گرایی و بی بند و باری جنسی و فساد اخلاقی را در جوامع گسترش می دهند.

۵- نقش زنان در تحولات فرهنگی

نقش زنان در مسیر توسعه و پیشرفت و تحولات فرهنگی در داخل کشور و عرصه بین المللی در ترسیم سبک زندگی برای خانواده باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. اگرچه کشمکش دائمی بین زنان و موانع اجتماعی سبب شده با سرعتی کمتر از آنچه که یک فرآیند اجتماعی دارد، برخی از حقوق مربوط به حضور جدی خویش را به دست آورند اما نقش زنان در تاریخ غیرقابل انکار است. شناخت جایگاه و حقوق زن، با بیان شرایط تعادل انسانها که ناظر بر بعد فردی و اجتماعی زن بعنوان فعال اجتماعی و پذیرش مسئولیت های او، موجب بهره مندی جامعه از توانمندیها و شایستگی های زنان شده، راه توسعه متوازن همه جانبه و پایدار را تسهیل می کند زیرا زنان مسئول جامعه و دگرگونی در افکار و اندیشه های آن می باشند.

این واقعیت که تربیت کودک مستقیماً بر جامعه تأثیر می‌گذارد نیز امری غیر قابل انکار است و نیازمند هیچ توضیح اضافی نیست. اگر مادران، فرزندان پاک سیرت، خردمند و تابع اخلاقیات انسانی تربیت کنند، جامعه به سمت پیشرفت و سعادت حرکت می‌کند. شرارتهای اجتماعی که امروزه در بسیاری از جوامع به چشم می‌خورد، نشانگر بی‌مبالاتی والدین خصوصاً مادران در تربیت و هدایت فرزندانشان است.

در واقع، یک زن می‌تواند نقش بنیادین در خانه داشته باشد و در حکم یک مدیر کارآمد می‌تواند خانه را که مکانی برای آرامش، عشق و محبت، و امنیت است، به طور مؤثر و در کمال آرامش تضمین کند. قطعاً این یکی از دشوارترین کارهاست که از بی‌نظمی و آشفتگی خانواده جلوگیری می‌کند. اگر خانه به طور کارآمد اداره نشود، اعضای خانواده بخصوص بچه‌ها دچار رنج شده و سرخورده و ناخشنود می‌شوند.

خداوند احساسات عمیق و پاک و عشق و محبت را به وفور در وجود زن به ودیعه گذاشته است و او با شخصیت شگرف و گرم و پرمهر خود آماده است تا این عشق و محبت را در خانه حکمفرما سازد و بزرگترین مشکلات را به راحتی برای فرزندانش هموار نماید. زن به مثابه ستون استحکام بخش خانواده است که با وجود پر مهر او در خانه هیچ جایی برای خشونت وجود ندارد.

باید توجه نماییم که مسئولیت خانه به عنوان یک بیگاری و کار خسته کننده تلقی نشود. با در اختیار قرار دادن وقت بیشتر برای ناظران و مدیران خانه، امکان دهیم یک مادر با وقت آزاد ارزشمند، خردمندی و درک خود را در اختیار تربیت فرزندانش قرار دهد. با صبر و آرامش، فعالیت لذت بخش همراه خانواده بودن را، به همسر و فرزندانش با صمیمیت تقدیم نماید.

در اینجا مایلیم اضافه کنم هیچ وقت برای شروع دیر نیست، اگر زن تصمیم بگیرد برگ جدیدی از زندگی را ورق زند، به طور یقین آن را به درستی انجام خواهد داد و به یک نتیجه شایسته منتهی خواهد شد.

۶- باز شناسی الگوی فردی و اجتماعی لازمه تحولات فرهنگی

انتخاب صحیح در تحولات عصر حاضر و در مسیر توسعه و پیشرفت فرهنگی نیازمند الگوی مناسب است. الگو یک معیار و میزان است برای اینکه کاری که انسان می‌خواهد انجام بدهد با آن الگو تطبیق داده شود. لازمه عقلانی هر تحول، توسعه و پیشرفتی برای فرد و جامعه بازشناسی الگوی فردی و اجتماعی است.

بشر پیوسته در زندگی خویش در جستجوی یافتن الگوها و نمونه‌های کمال یافته است که بتواند با تأسی به شیوه‌های زندگی و نوع عملکرد آنها به کمالات ظاهری و معنوی مطلوب نایل شود. در قرآن شریف ویژگیها و اوصاف انسانهای نمونه و همچنین مصادیق بارز این انسانها که به اوصاف تعقل و تفکر، صبر و استقامت، حیا و عفت، ایمان و معنویت، اخلاص و صداقت، پاکدامنی و طهارت، و دیگر صفات کمالی مزین شده اند بیان شده است. در بیان و معرفی الگوها کتاب انسان ساز قرآن کریم تفکری فراجنسیتی دارد. در کنار بیان شخصیت سازنده انبیاء، زنان نمونه‌ای بعنوان انسان کامل، که در مسیر

وصول به مقامات معنوی و نیل به آرمانهای انسانی و تصویر حیات طیبه که موجب تحقق مدینه فاضله و جامعه ای عاری از گناه و هواپرستی، و ظلم و طغیان و استکبار است بعنوان الگوی برتر مطرح کرده است؛ که اختلاف در جسم و جنسیت و تفاوت در مسئولیتهای اجتماعی، کوچکترین تاثیری در تحقق اهداف عالی آنها نداشته است.

۷- الگوی توسعه فرهنگی در قرآن

در تعاملات تمدنی و تکنیکی صرفاً پذیرش یک الگو نمی‌تواند راهکار مناسبی برای توسعه تمدن باشد؛ بلکه در این راستا اختراع مجدد (بازشناسی) الگو امری ضروری است و سبب می‌شود تعاملات تمدنی و فرهنگی نقش حقیقی خود را ایفا کند. بازشناسی به معنای عبور کردن الگوهای وارداتی از صافی هویت فرهنگی و نظام ارزشی جامعه است. ایده استفاده از روش و سازکارهای کشورهای توسعه یافته و الگوبرداری بدون هیچ تغییر با اعتقاد بر جهان شمول بودن آن، به دلیل ناسازگاری الگوی های وارداتی با سنن و ارزش های فرهنگی جوامع، محکوم به شکست است.

قرآن الگوها و اسوه های جهانی و ابدی را برای همه انسانهای کمال جو معرفی می‌کند. در این راستا توجه به زنان نمونه در آیات از ویژه گی خاص برخوردار است. در بیان قرآن آسیه همسر فرعون و مریم مادر مسیح علیهم السلام دو نمونه خوب برای مردم مؤمن به شمار آمده اند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فِرْعَوْنَ... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...»؛ «و خداوند برای مؤمنان به زن فرعون... و مریم دختر عمران مثال زده است.»

زنانی چون حضرت مریم، حوا، ساره و هاجر همسران حضرت ابراهیم، دختران حضرت شعیب، همسر حضرت زکریا، مادر حضرت مریم، بلقیس، همسر حضرت ایوب، مادر و خواهر حضرت موسی، و فاطمه زهرا علیها السلام به نیکویی یاد شده است که از بعضی به طور صریح و بعضی به طور غیر صریح در آیات مورد توجه و بیان قرار گرفته اند.

در این بین وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، بعنوان الگو و اسوه فراجنسیتی از ویژگی ممتاز برخوردار است. بنابر نظر مفسرین آیات سوره انسان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۲۱۱؛ آلوسی، بی تا، ۲۹: ۱۵۷-۱۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۳ق، ۳۰: ۲۴۴)، سوره قدر (رودگر، ۱۳۸۴، ۲۲۵-۲۵۲)، سوره کوثر (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۶۳۷-۶۴۳؛ آلوسی، بی تا، ۳۰: ۲۴۴-۲۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۳ق، ۳۲: ۱۲۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵: ۳۴۲) و آیه مباهله (فخر رازی، ۱۴۲۳ق، ۸: ۸۹-۹۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵: ۳۴۲؛ سیوطی، ۱۳۸۲، ۳: ۶۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۲: ۴۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۱: ۴۴۷)، آیات ۳۵ تا ۳۸ سوره نور (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۱۹۵؛ ابن مغزلی، ۱۴۲۴ق، ۲۶۳)، آیه تطهیر (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۴۶۲-۴۷۷؛ آلوسی، بی تا، ۲۲: ۲۰-۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۶۵-۳۷۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۴: ۳۸۴؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۸: ۳۸۲) و آیه مودت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸: ۵۹-۶۸؛ آلوسی، بی تا، ۲۵: ۳۰-۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۳ق، ۲۷: ۱۶۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷: ۱۸۳) در شأن و مقام ایشان نازل شده است.

بررسی سیره رفتاری فاطمه زهرا(سلام الله علیها) و تلاش و مجاهدت آن بزرگوار در راستای حفظ گوهر وجودی زن، تجلی شأن زن و بیانگر نگرش دین اسلام به این گوهره عالم وجودی است. از شناخت و تحلیل مشی سیاسی - اجتماعی ایشان، عملکرد و رفتار موجود انسانی - اجتماعی، استنباط می‌شوند که الگویی برای انسانیت را به تصویر میکشد.

۸- فاطمه زهرا(سلام الله علیها) کنشگر فرهنگی

الف- فاطمه زهرا(سلام الله علیها) هویت الهی

رمز ماندگاری نام حضرت زهرا(سلام الله علیها) زنده بودن تفکر و اندیشه‌های او، همسویی سیره و سخن ایشان با فطرت انسان‌هاست. هر قدر شناخت از این الگوی عالی و تمام وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد، بهتر می‌توان محتوای پیام و گفتار و رفتار او را به دست آورد و در جهت رسیدن به سعادت و تکامل و تحقق ارزش‌های فطری و الهی بهره برد.

فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در آموزه‌های درونی بواسطه اعتقاد روحی - رفتاری بر اساس تعالیم و آموزه‌های دین خداوند، پیامبر مکرم اسلام، هستی، جهان، جامعه، تاریخ، راه کمال و سعادت و نیکبختی انسان را شناخته است، آرمان‌های بلند انسانی و اجتماعی دین را دریافته است و نقش و رسالت خویش را در رابطه با خداوند و حفظ آرمان‌های دین به خوبی ایفا کرده و در دفاع از حریم دین در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جریان فکری و روحی عمیقی ایجاد نموده است، جریانی که در طول تاریخ و تا ابدیت ماندگاری آن با استمداد از سلاله پاک او و اقتدای آزاد اندیشان و عقل‌گریان و دین‌مداران تضمین شده است.

تفکرات و اندیشه‌هایی که بر اساس شناخت‌های عمیق و به بار نشسته در روح و روان و قلب حضرت نسبت به باور و ایمان به خداوند، راه کمال و سعادت، پیام‌آوران و راهبران انبیایی و آدمیت خویش و فرجام اخروی و زندگی بر پایه خودآگاهی و شناخت این باورها و عقیده‌ها و این اخلاقیات و ایمان به حرکت انسان در مسیر کمال انسانی و دریافت حقیقت در طول تاریخ بشریت شکل و جهت بخشیده است.

ب- شیوه‌های تاثیرگذار فاطمه زهرا(سلام الله علیها)

محیط اجتماعی پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و اله) به سمتی سیر می‌کرد که نخستین نشانه‌های انحراف از آموزه‌های آزادی بخش دین نمودار گشت برگشت به سنت‌های جاهلی قبل از ظهور اسلام هدف اصلی این جریان بود و یهود مدینه طراحان پشت پرده تعزیه گردانان بودند. حضرت زهرا(سلام الله علیها) که در بطن مسائل سیاسی جامعه و بحران‌ها رشد کرده و تربیت یافته بود و بر اساس آموزه‌های نبوی رسالت دفاع از حق و حقیقت را فراتر از قالب‌های جنسیتی بر دوش خویش احساس می‌کرد، با بصیرت و آگاهی عمیق نسبت به توطئه‌ای که آموزه‌های پیامبر مکرم و هویت انسانی جامعه را هدف قرار داده بود، هشیارانه وارد عرصه شد و به کسوت سیاستمدار آگاه و مدافع حریم امامت، در صحنه حضور فعال یافت و رهبری دفاع از امامت به عنوان دژ مستحکم حافظ آموزه‌های ناب نبوی را بر عهده گرفت. حضور سیاسی فاطمه زهرا(سلام الله علیها) نشان داد که یک زن با آگاهی و اتخاذ شیوه‌های سیاسی مدبرانه می‌تواند در صحنه‌های گوناگون جامعه به مبارزه

پردازد. این حضور نه تنها تفکر «عدم حضور زن در سیاست» را نفی می‌کند، بلکه انحصار حضور مردان در عرصه‌های سیاسی را به نقّادی می‌کشاند و بر آن مهر بطلان می‌زند. تاریخ زندگی او نشان می‌دهد که جامعه (بدون در نظر گرفتن جسم و جنسیت) تربیت یافته در چارچوب این الگوی انسانی، وجود و حضوری انسان‌ساز و جامعه‌ساز در عرصه جامعه و مدیریت اجتماعی خواهد داشت.

شیوه زندگی و آگاهی و رشد سیاسی دادن به زنان مهاجر و انصار، اتخاذ شیوه‌ها و حرکت‌های سیاسی خاص از قبیل گریه در مراکز شلوغ و محل عبور و مرور مسلمانان (مجلسی، ۱۳۵۴، ۴۳: ۱۹۳)، حضور در مسجد برای محاجه با خلیفه (اربلی، ۱۳۸۱ق، ۲: ۱۰۳؛ بخاری، ۱۴۱۴ق، ۸: ۲۶ و ۲۱۰؛ سیوطی، ۱۳۸۲، ۶۷) و مراجعه به خانه‌های مهاجر و انصار (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق، ۲: ۵) حضور قوی در صحنه مبارزات سیاسی، جامعه را تحت تأثیر قرار داد، و با تغییر ناگهانی شیوه مبارزه سیاسی خود به سکوت (دشتی، ۱۳۷۸، ۱۷۰-۱۵۰)، توجه اجتماع و افکار عمومی را جلب اوضاع سیاسی نمود. در حادثه غضب فدکس و بی‌نتیجه ماندن دادخواهی با حضور در مسجد و ایراد سخنرانی در نهایت فصاحت و بلاغت به اعتراض سیاسی و استیضاح حاکم وقت پرداخت (سپهر، ۱۳۶۳، ۱: ۱۴۴؛ دین پرور، ۱۳۵۵، ۱۶۳) تا در میان مردم روشنگری کنند. پس از حضور خلیفه در خانه ایشان و گفت‌وگوی کوتاه و اعتراف خلیفه بر مقام شامخ آن حضرت (قشیری نیشابوری، ۱۴۰۷ق، ۴: ۱۲۵) اذهان جامعه و افکار عمومی را در مشروعیت خلیفه وقت دچار تردید کرد.

وصیتنامه سیاسی آن حضرت در راستای عدم بهره‌برداری حاکمان سیاسی وقت از مراسم سوگواری و دفن آن حضرت و تأکید بر ولایت حضرت علی (علیه السلام) (بخاری، ۱۴۱۴ق، ۵: ۱۳۹؛ مجلسی، ۱۳۵۴، ۱۸۳؛ شوشتری، ۱۴۰۳ق، ۱۰: ۴۵۳) اثر جاودانه در طول تاریخ بر بیداری اندیشه ظلم ستیزان دارد.

حضرت در کنار فعالیت های که در خانه داشت فعالیت اقتصادی وسیع را در مدینه مدیریت می‌کردند. ایشان غیر از فدک مالک هفت باغ (الحوائط السبعة) بود که درآمد آن موجب خودکفایی حضرت از حکومت بود و مستمندان را اطعام می‌نمود. این باغها اموال مُخیرق یهودی بود که اسلام آورد و وصیت کرد اگر در جنگ کشته شد، باغ‌هایش از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد (حسینی جلالی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۷۴؛ حسکانی، ۱۳۸۰، ۱: ۴۴؛ بحار الانوار، ۱۳۵۴، ۱۶: ۱۰۹؛ مظفر، ۱۴۲۲ق، ۳: ۵۷۸؛ ابن طاوس، ۱۳۹۹ق، ۱: ۲۴۷). وی در جنگ احد به شهادت رسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز این هفت باغ را با فدک به حضرت زهرا بخشید. خلیفه اول علاوه بر فدک، باغ‌ها و مزارع هفتگانه را از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مصادره کرد (حسینی جلالی، ۱۴۲۶ق، ۶۱؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۶: ۱۴۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۱: ۵۰۱؛ طبری، ۱۳۸۸، ۲: ۲۰۹). این حادثه تاریخی بیانگر آن است که ایشان یک فعال اقتصادی بودند. هدف ایشان برای مطالبه فدک و حوائط سبعة، گرفتن تعدادی درخت خرما و مقداری گندم نبود، بلکه او به دنبال زنده نگه‌داشتن حکم دین و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برپایی عدالت بود و نسبت به بازگشت ارزش‌های جاهلیت و برتری قبیله‌ای که در کمین جامعه اسلامی بود، احساس نگرانی می‌کرد (شهیدی، ۱۳۷۷، ۳۷). مطالبه فدک نه یک مسئله شخصی و نزاع مادی، بلکه نوعی اعلام مخالفت علیه حاکمیت وقت و نامشروع دانستن بنیان‌های حاکمیت یعنی سقیفه بود (صدر، بی تا، ۶۳). مطالبه فدک نقطه آغاز

نهضت حضرت زهرا(سلام الله علیها) علیه حاکمیت و یکی از مراحل دفاع ایشان از اسلام، امامت، ولایت و مخالفت با افکار جاهلی بود(صدر، بی تا، ۱۱۵).

در ادبیات علوم اجتماعی، «حضور» به معنای نقش تاثیرگذار فرد در فرایند زندگی جمعی است. این شیوه های حضرت نشان می دهد اگر در جامعه به جای مشغول ساختن زنان به خود، کار فرهنگی و فکری صورت گیرد و به مردم آگاهی سیاسی داده شود، بهتر می توان در شناخت حق و حقیقت بدون تعارف های دیپلماتیک و بازی های سیاسی وارد صحنه شود و به دفاع از کبان دین پرداخت.

علاوه بر این از تاریخ زندگی ایشان که نمونه ی متعالی انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، و شیوه تصمیم گیری حضرت در اوضاع مختلف سیاسی-اجتماعی در حیات پیامبر عظیم الشان اسلام و پس از رحلت آن حضرت، الگوی وضعیت مطلوب را می توان استنباط نمود.

نتیجه گیری

فرهنگ از عوامل بسیار مهم جهت یافتن شخصیت و هویت انسان محسوب می شود. نظر به اینکه جوامع مختلف ناگزیر از تبادل فرهنگی هستند، گسترش تعامل فرهنگ های گوناگون از یک سو و گسترش ارتباطات از سوی دیگر، و همچنین هجوم باورهای تازه با هدف تحریف ارزش ها، ضرورت معرفی و باز شناسی شخصیت های تاثیرگذار در فرهنگ و نگرش دینی را دو چندان می کند. در افزایش تجانس و یگانگی فرهنگ عامه جهانی، باز شناسی و معرفی شخصیت حضرت زهرا(سلام الله علیها) بعنوان زنی که در اثرگذاری برای بشریت الگو است، بیان شیوه های مشارکت فعال در منزل و اجتماع، از او شخصیتی الهی در زمین، در اذهان تمام آزاد اندیشان و دین باوران ترسیم خواهد کرد. او در عین اینکه زندگی سرشار از زهد و تقوی داشت از فعالان و اثرگذاران فرهنگی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی عصر خویش بشمار میرود. از دانش حقوقی بالا برخوردار بوده و شیوه دادخواهی او نشانه حضورش در عرصه های مختلف است. سیره زندگی ایشان در وقایع مختلف، نشانگر شخصیت ذو ابعاد و موثر در همسرداری تربیت فرزند، ستم ستیزی، عدالت خواهی در عین حال در عرصه جهاد و شهادت حافظ حریم دین و ولایت، الگویی کامل و تمام را در هر عصر به جهانیان معرفی می کند.

فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، در دوران زندگانی خویش دو گونه آموزش می دهد. سنت او و قرآنی که از دین ارائه می کند، محصول این دو آموزه است؛ آموزه های درون نگر(خودسازی) و آموزه های برون نگر(دیگرسازی). سنت فاطمی در طول تاریخ در بستر این دو آموزه، ناظر به هویت انسانی تفصیل یافته است. در آموزه درونی خویش، عروج و مراقبه و تفکر و نیایش و اخلاق و... و در آموزه بیرونی تدبیر منزل، فعالیت و مشارکت در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، شدت و صلابت با دشمنان انسانیت و تعالی انسان در قالب دین، همراهی با دینداران، و مادری برای پدر...، نه برای زن بلکه برای انسان الگوی جامع و تفسیر انسان کامل در عرصه عقلانیت و معنویت است. تبیین این دو آموزه برترین تاثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در تمام ادوار تاریخ و فراتر از جسم و جنسیت خواهد داشت. و در یک سخن فاطمه زهرا(سلام الله

علیها) بعنوان زنی الهی، ظهور اسامی و صفات خداوند در گستره وجودی یک زن است و فرهنگ فاطمی یعنی نهادینه شدن همه ارزش‌های او در وجدان جمعی جهان در طول تاریخ بشریت.

فهرست منابع

- ۱- اربلی، علی بن عیسیکشف الغمّه، تبریز: مکتبه بنی هاشمی. (۱۳۸۱ق).
- ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، (۱۳۸۵ق).
- ۳- آلوسی، شهاب‌الدین (بی تا) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ۴- ابن طاوس، أبی القاسم علی بن موسی الطرائف فی معرفه مذاهب، قم: خیام (۱۳۹۹ق).
- ۵- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرّر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز محقق: جمال طلبه، بیروت: دارالکتب العلمیه (۱۴۲۲ق).
- ۶- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری- شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفه (۱۳۷۹ق).
- ۷- ابن کثیر قرشی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه (۱۴۱۹).
- ۸- ابن مغزلی، علی بن محمد، مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام (مناقب مغزلی)، بیروت: دارالأضواء (۱۴۲۴).
- ۹- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر (۱۴۱۴ق).
- ۱۰- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، طبقات الکبری، محقق: محمد عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیه (۱۴۱۰ق).
- ۱۱- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، استانبول: دارالدعوه (۱۴۱۴ق).
- ۱۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، محقق: مرعشلی، محمد عبدالرحمن، بیروت: دار احیاء التراث العربی (۱۴۱۸).
- ۱۳- بهمدی، اردشیر، ریشه‌های واژه فرهنگ در دوره میانه، ایننا، ۱۳۹۹/۱۱/۳ (۱۳۹۰).
- ۱۴- بندریگی، محمد، المنجد، قم: نشراسلامی، ماده ی ثقّف (۱۳۹۰).
- ۱۵- پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر قطره (۱۳۸۲).
- ۱۶- توسلی غلام عباس، ویژگی‌های فرهنگی جامعه دینی، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۴-۳ (۱۳۷۵).
- ۱۷- جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری (۱۳۹۷).

- ۱۸- چوپانی یداله، پدیده جهانی شدن فرهنگ ها، مجله سیاست- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه، (۱۳۸۸). SID پایگاه
- ۱۹- حسینی جلالی، محمد باقر فدک و العوالی (الحوایط السبعة فی الكتاب و السنة و التاريخ) مشهد: دبیرخانه کنگره میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، (۱۴۲۶ق).
- ۲۰- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، قم: دارالهدی (۱۳۸۰).
- مظفر (۱۴۲۲ق). ۲۱- محمد حسندلائل الصدق لنهج الحق، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۲۲- حسینی، محمد حسین و همکاران مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هشتم، شماره اول (۱۳۹۶).
- ۲۳- خواجه نوری، بیژن و زهرا ریاحیجهانی شدن و دنیاگرایی و زنان: مورد مطالعه شهرهای تهران و شیراز، رسانه، شماره ۱۵ (۱۳۹۲).
- ۲۴- دین پرور، سیدجمال الدین، فاطمه بر کرسی رهبری، تهران: روزبه (۱۳۵۵).
- ۲۵- دشتی، محمد تحلیل و بررسی حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)، قم: نشر امام علی (علیه السلام) (۱۳۷۸).
- ۲۶- دهخدا، فرهنگ لغت دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ذیل واژه (۱۳۷۷).
- ۲۷- رضایی، مصطفی، سبک های زندگی و چالش های هویتی، زمانه (جامعه و علوم اجتماعی) شماره ۹۵ (۱۳۸۹).
- ۲۸- رودگر، محمدجواد، فاطمه زهرا (علیها السلام) سر لیلۃ القدر، قم: بانوان شیعه (۱۳۸۴).
- ۲۹- روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی تألیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی، تهران: نشر عطار (۱۳۹۴).
- ۳۰- سپهر، میرزا محمد تقی، ناسخ التواریخ، تهران: اسلامیه (۱۳۶۳).
- ۳۱- سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، محقق: محیی الدین عبدالحمید، تهران: الحوراء (۱۳۸۲).
- ۳۲- شوشتری، قاضی نور الله، احقاق الحق، تعلیقات شهاب الدین مرعشی نجفی، قم: مکتبه آیه... مرعشی نجفی (۱۴۰۳).
- ۳۳- شهیدی، سیدجعفر، زندگانی فاطمه زهرا (علیها السلام)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (۱۳۶۲).
- ۳۴- صدر، محمدباقر، فدک فی التاريخ، محقق: عبدالجبار شراره، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه (بی تا).
- ۳۵- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دارالعلم (۱۴۱۷ق).

- ۳۶- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر (۱۳۸۸).
- ۳۷- غمامی، سید محمد بازسازی رابطه فرهنگ و سیاست گذاری مبتنی بر حکمت صدرایی، دو فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، شماره ۱ (۱۳۹۶).
- ۳۸- فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) به کوشش مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت: دارالفکر (۱۴۲۳ق).
- ۳۹- قشیری نیشابوری، ابوالحسن، صحیح مسلم، محقق: موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، بیروت: مؤسسه عزالدین (۱۴۰۷ق).
- ۴۰- قرشی بنابی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه (۱۳۸۶).
- ۴۱- گل محمدی، احمد، جهانی شدن - فرهنگ - هویت، تهران: نشرنی (۱۳۸۶).
- ۴۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه: محمد جواد نجفی، تهران: اسلامیه (۱۳۵۴).
- ۴۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر (۱۳۷۵ش).
- ۴۴- موحدینیا، فریدون، عوامل گرایش نسل نوجوان و جوان به فرهنگ بیگانه، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (۱۳۸۲).
- ۴۵- ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات اهل السنه، بیروت: دارالکتب العلمیه (۱۴۲۶).
- ۴۶- مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، محقق: عبدالجواد ابراهیمی، ج ۸، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (۱۳۸۱).
- ۴۷- ماحوزی، رضا (۱۳۸۹) مفهوم فرهنگ از نظر کانت، نشریه: علوم اجتماعی SID-۴۸ شماره ۹.
- ۴۸- هارپر داگلاس، دیکشنری آنلاین لغت نامه ۲۰۰۱